

سلسله صوفیه گنابادی

با وجود اینکه برای تکامل معنوی و احراز مقام ارشاد تحصیل علوم ظاهری شرط نیست و چه بسا تحصیل اینگونه علوم برای پرده پوشی نواقص شخصی باشد معینا مرحوم صالحعلیشاه در عین کمال هوش و استعداد فطری در علوم ظاهری نیز تسلط کامل داشت و تا درجه اجتهاد رسیده بود اما بسیاری از اوقات در مجالس سکوت میکرد تا دیگران را وادار بمذاکره و مباحثه نموده علم آنرا جلو ببرد و جلوه دهد و الایانات شیوای وی در شبهای جمعه شاهدهی بروسعت علم و اطلاعات آن مرحوم بود که حتی بنظر نمیرسد بعد از مرحوم حاجی ملاسلطان محمد کسی بعظمت علمی او در این سلسله آمده باشد. منتها گرفتاری زندگی و تربیت پیروان مجال تألیفاتی بوی نداد. رساله مختصر پند صالح خود حاکی از مقام علمی اوست که توانسته است در جملات بسیار کوتاه و فشرده مطالب عظیم عرفان عملی را بکنجاند. هر که باین نسخه بنگرد بوسعت علم و احاطه کامل این طبیب روحانی پی می برد.

مرحوم صالحعلیشاه تمام وقت کار میکرد و میتوان گفت فعالیت معاشی وی باندازه یک وزار تنخانه بوده هیچوقت متقاضی بیکار و لوگر در راه مسلک خویش راه نمیداد. وی در بیدخت هر گز به متکدی و سائل بعنوان تکدی پول نپرداخت. هر سائلی که از او چیزی میخواست وی را بکار کردن و مزد گرفتن دعوت و موعظه میکرد. کاری مطابق استطاعت بدنی باو واگذار مینمود مثلا اگر پیرمرد بود می نشست و ریگ الک میکرد تا مورد استفاده قرار گیرد. خلاصه کار باندازه استطاعت و بنیه متقاضی واگذار مینمود و مزد باندازه احتیاج باو میداد معمولا این نوع کارگران استفاده ای مادی از کارشان عاید نمیشد و چه

بسا برای ایجاد کار عده‌ای را به تخریب دیواری و امیدداشت به بیانه اینسکه مثلادردیواری کج است برای تجدید بنا عده‌ا را بکار و امیدداشت بدین نحو بکسانیکه آماده کار بودند کار ارجاع مینمود و مساعدت مالی میکرد و بقول خود میگفت «دیگر شما از کسی ممنون نیستید که صدقه داده است کار کرده‌اید و مزد گرفته‌اید» ولی به بینوایان و عجزه نیز در خفا و بطریق غیر مستقیم کمک مینمود.

ممر معاش

ممر معاش خود و خانواده‌اش از زراعت میگذشت و به فرزندان بعد از ازدواج دیگر کمکی نمیکرد و میگفت باید خود زحمت کشیده معاش خود را تأمین نمایند و زندگی را متناسب با درآمد کار خود بنا کنند.

وی و اسلاف او معتقد بودند رهبر روحانی اگر معاشش از رهبری تأمین شود ناچار خواهد بود برای حفظ اعتقاد پیروان بر مذاق آنها نظر بدهد و در واقع او پیرو خواهد بود و عوام رهبر. و از طرف دیگر چه بسا ناچار شود برای حفظ معاش خویش با ظالم و ستمکار بسازد و بنفع آنها دم زند. اما رهبر باید معاش خود را از طریق دیگری تأمین نماید تا در رأی و تصمیم استقلال داشته باشد و بتواند مصلحت پیروان را ولو برخلاف مذاق آنان صریحاً اعلام دارد.

ازدواج

همانگونه که در مورد بیکاری توضیح داده شد عقیده غلط دیگری نیز در اذهان بعضی جای گرفته بود علیهذا سنت پیغمبر اکرم یعنی ازدواج مطمح نظر خاص قرار گرفت.

در سلسله گنا بادی بر این نکته تکیه شده و به پیروان دستور داده شده است که با رعایت جهات اخلاقی و معنوی و با توجه با استطاعت مالی خویش اقدام با ازدواج نمایند. مرحوم صالحعلیشاه در پند صالح صفحه ۹۵ میگوید «فقر و درویشی علقه دل را از غیر خدا بریدن و رو به عالم مجرد آوردن و تن با خلق و دل از آنها برکنار داشتن است و منافی تأهل و زن گرفتن نیست بلکه تأهل سنت اسلام است و حفظ از بسیاری خطرات

و آورنده روزی و در صورت ادای وظیفه و تحمل نامالایم مری سالک است و تنهایی روانیست مگر بناچار...»

حرمت مواد مخدره

در یوزگی و بیکاری غالباً منجر باعتیاد بمواد مخدره میگردد و حالت نشئه سم قوه مخیله شخص را وسعت بخشیده از حدود معقول خارج میسازد .

هر گاه در زهن چنین شخص قبلاً افکار دایره های عرفانی راه یافته باشد در موقع نشئه این ایده ها بر مرکب تخیل سوار گشته از حدود معقول خارج میگردد . شخص عادی این خروج مخیله خود را از حدود معقول بکشف و کرامات تعبیر نموده و میل درونی شخص بتعالی و تمثل به بزرگتران (و در اینجا بسیر و سلوک کشف و کرامات عرفانی بزرگ) موجب تقویت این تعبیر میشود . استمرار و دوام چنین وضعیتی در عده ای از درویش که در اجتماع مظهر و نمونه درویشی بحساب میآمدند موجب این اشتباه گردیده بود که اعتیاد بمواد مخدره از لوازم درویشی و شرط سیر و سلوک میباشد .

حاج ملاسلطان محمد قریب ۸۰ سال قبل ضمن تفسیر آیه «انما الخمر والمیسر والانساب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون» بکنفر مجتهد شرعی (نه بعنوان رهبر طریقتی - هر چند که فتوای رهبر طریقتی از جنبه شریعت نیز بر بیروان لازم الاتباع است) و برای اول بار تاریخ اسلام حکم بحرمت استعمال مواد مخدره (بعنوان مکیف و مخدر) صادر کرد . بدین استدلال که :

معنای خمر آن چیزی است که سکر بیاورد و چه بسا که بعضی مصادیق این لغت در زمان نبی اکرم و ائمه اثنی عشر موجود نبوده و بعداً ایجاد شود (مثلاً ویسکی و ودکا - تریاک - هروئین و غیره...) مرحوم صالحعلیشاه و اسلاف وی به تبلیغ این حرمت جهد فراوان داشتند و هرگز شخص معتاد را بدرویشی نپذیرفتند . هر گاه طالب صادقی را معتاد میدید باو امر بترك اعتیاد میداد و با تقویت معنوی و روحی وی را بترك اعتیاد قدرت میداد و پس از ترك او را می پذیرفت نسبت به مریدان و بخصوص افراد فامیل و بستگان نیز تا کید و مراقبت در عدم اعتیاد میداد و حتی در وصیت نامه مورخه ۱۳۲۷ شمسی خویش

بفرزندان و بستگان اعلام داشته‌اند که بهیچوجه راضی نیست یکی از بستگان او معتاد به تریاک گردند و راضی نیست حتی یک دینار را از مال او برای مصرف تریاک استعمال گردد. بهترین روش برای کوبیدن مواد مخدره اتکا با اعتقادات و ایمان مردم است. لیکن در گذشته متوجه قدرت معنوی و مذهبی نشده و با زور خواسته‌اند ماده‌ای را که تا دیروز مجاز بوده بلکه برای ازدیاد فروش آن جایزه تعیین شده بود یکبار غیر قانونی اعلام دارد. نتیجه آن وضع فعلی است که متأسفانه کشور ایران از منع تریاک ضرر اقتصادی زراعتی - اجتماعی برده و هر وئین جایگزین تریاک وزندانهای اشباع شده جان‌نشین مدارس گردید و حال آنکه هفتاد سال بعد از مرحوم حاج ملاسلطان محمد مرحوم آیت‌الله بروجردی قنوا به حرمت استعمال تریاک صادر نمود با توجه به مثل :

«اگر زباغ رعیت ملک خورد سببی بر آوردند غلامان او درخت از بیخ»
 مرحوم صالح‌علیشاه و اسلاف او حتی از استعمال نیز سیگار خودداری میکردند نه بعنوان حرمت بلکه بعنوان حفظ الصحه و تشویق و صیانت پیروان از گرفتاری دام اعتیاد.
رقیت

نمونه دیگری از توجه بمقتضیات زمان و کمک به سیرتعالی اجتماعی آنکه در ۱۳۳۲ قمری مرحوم حاج ملاعلی نورعلیشاه در دستورالعملی که صادر نمود اعلام داشت که چون قرنهای جنگ اسلامی مطابق با موازین شرعی رخ نداده است غلام و کنیز پیدا نشده و تمام بردگان امروزه بطریق صحیح برده نبوده آزاد میباشند و فعلاً بزرگی مصداق ندارد وی بدین طریق با اعلام حلیت بردگی و تذکر «حلال محمد حلال الی یوم القیامه ...» اعلام داشته است که حکم شرعی مصداقاً منتفی است .

تبلیغ

معمولاً هر شخص کل سنین زندگی احساسات و عقاید گوناگون تحصیل میکند و در هر لحظه چنین مینداند که بهتر و کاملتر از عقیده اورایی وجود ندارد . هر گاه شخص همواره نظری را که دارد تبلیغ نماید این تغییرات و تضاد با افکار مخالف و مختلف موجب سرگشتگی و جنگ و جدل میگردد .

ناتمام